

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

استاد محمد نسیم «اسیر»

نتیجه راستگویی

دخترکی ساده دلی جاهلی
با گنهی شد سبب مشکلی
پا، نهاده به حریم زفاف
شد شکمش قیل تراز روی ناف
مادر بیچاره بشد دست و پا
گفت مخور غم که دگر چیز نیست
از اثر خوردن نان زیاد
مادر آزردہ دل بد نصیب
گفت که ای داکتر باهنر
عارضه دختر من دور کن
معدۀ او سخت ورم کرده است
بادوسه تا گولی گک باد بُر
تا که طبیب این سخن از وی شنید
بعد تأمل به تبسم شگفت
مادر گل! خاطر آسوده باش
دخترکت یکدوسه ماحامله است
مادر بیچاره چو این گپ شنید
چیغ زد و داد کشید و غرید
کای ز ادب بی خبر ای داکتر
با گنهی شد سبب مشکلی
شد شکمش قیل تراز روی ناف
گفت بگو زود، به من ماجرا
مُحرقة گرم و تب تیز نیست
هست فقط مسأله نفخ و باد
دختر خود برد به نزد طبیب
با هنر خویش بگردان خطر
دیده بدخواه مرا کور کن
گوئی که بیچاره شکم کرده است
باد و بخار شکمش را بُر
پیش شد و نبض مریضش بدید
رخ سوی مادر بنمود و بگفت
بهر تداوی مکن اصلاً تلاش
ماه رخی بار درین راحله است
رنگ ز رخسار گلابش پرید
چنگ زد و گردن اورا کشید
وی ز ره و رسم ادب بی خبر

این همه بهتان نمایان مکن
 دختر افرشته خصال مرا
 تهمت بیهوده مزین بی سبب
 پرده نشین دختر پاک مرا
 در حرمت کج نوزیده نسیم
 ماه ندیده است سر چادرش
 پاک تر از پاک تران دختر است
 القاصه آن مادر شوریده حال
 برد به هر گوشه و هر چیز دست
 دختر او نیز خروشان ز جای
 دامن او تا به یخن چیر کرد
 مشت قوی بر سر او وار کرد
 داکتر از این همه شور جنون
 هیچ ندانست، چها می کنند
 خون ز دل و دیده روان همچو سیل
 با جگر خون و دل داغ دار
 گشت مصمم که دگر بعد ازین
 راست نگوید به کسی این چنین

خاصتا از بیش و کم روزگار

حاملگی را نکنند آشکار

(شهر بن - المان، جنوری 2002م)